Research in Comparative Literature
Homepage: https://jccl.razi.ac.ir/
Print ISSN: 2676-6515
Online ISSN: 2676-6523

Stylistics of the poem *the Fox and the Crow* Based on the poems by Habib Yaghmaei, Mirza Ali Akbar Saber, Suleiman Al-Issa and Mohammad Osman Jalal

Parviz Ahmadzadeh houch[1]| Ali Sayadani[2]| Manoochehr Daviran[3]

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: ac.ahmadzadeh@azaruniv.ac.ir
2. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: a.sayadani@azaruniv.ac.ir
3. Ph.D. student of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: m.daviran@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 14 Jul 2021
Received in revised form: 09 May 2022
Accepted: 10 May 2022

Keywords:
Child Poetry,
the Fox and the Crow,
Habib Yaghmaei,
Mirza Ali Akbar Saber,
Mohammad Osman Jalal,
Suleiman Al-Issa.

ABSTRACT

The story of "the fox and the crow" has long been considered by poets and storytellers and poets have narrated this story in different countries with various languages using multiple storytelling styles. This research is an attempt to study and compare the poems provided by four poets; Habib Yaghmaei, (Persian poet), Ali Akbar Saber (Turkish poet), Suleiman Al-Issa (Syrian poet) and Mohammad Osman Jalal (Egyptian poet). Using descriptive and analytical method and based on the American storytelling style (which doesn't consider theprinciple of impact and being influenced and historical connection as necessary conditions in comparing the two literary texts), this research is to investigate the different aspects of aesthetics, innovation, similarities, differences and different functions of the afore-mentioned poem (The Fox and the Crow) in four stages of; phonetic (internal and external music), rhetoric (aesthetic functions), syntactic, and intellectual tiers in the works of the four addressed poets. Examination of the poetic texts provided by these poets illustrates that all of them, with the aim of beautifying their poem and its attraction, have paid special attention to the music of poetry and have employed all kinds of similes, metaphors and puns. Attention to phonology and rhythm in the poem of Suleiman Al-Issa is less than that of the other three poets. The poems of Yaghmaei, Saber, and Osman Jalal comprise rhyme, rhythm, and tone so that children can memorize them easily. Opposing this, the poem of Suleiman Al-Issa contains a new verse and rhythm which is not very tangible. With respect to the intellectual tier, their goal is to educate and avoid children from flattery, and being truthful. In Yaghmaei's poem, the point of grasping the message is left to the reader, but other poets have referred to the message of the story themselves.

Cite this article: Ahmadzadeh houch, P., Sayadani, A., Daviran, M. (2023). Stylistics of the poem *the Fox and the Crow* Based on the poems by Habib Yaghmaei, Mirza Ali Akbar Saber, Suleiman Al-Issa and Mohammad Osman Jalal. *Research in Comparative Literature*, 13 (2), 1-20.

© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6691.2284

الترقيم الدولي الموحد للطباعة: ۶۵۱۵-۲۶۷۶
الترقيم الدولي الموحد الإلكتروني: ۶۵۲۳-۲۶۷۶

بحوث في الأدب المقارن
https://jccl.razi.ac.ir/

أسلوبية قصيدة الثعلب و الغراب مركّزا على اشعار حبيب يغمائي، ميرزا علي أكبر صابر، سليمان العيسى ومحمد عثمان جلال

بروين احمدزاده هوج[1] | علي صياداني[2] | منوچهر دويران[3]

١. الكاتب المسؤول، أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، ايران. العنوان الإلكتروني: ac.ahmadzadeh@azaruniv.ac.ir

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، ايران. العنوان الإلكتروني: a.sayadani@azaruniv.ac.ir

٣. طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، ايران. العنوان الإلكتروني: m.daviran@yahoo.com

معلومات المقال

نوع المقال: مقالة محكّمة

الوصول: ١٤٤٢/١٢/٣
التنقيح والمراجعة: ١٤٤٣/١٠/٧
القبول: ١٤٤٣/١٠/٨

الكلمات الدّليليّة:
شعر الأطفال،
الغراب و الثعلب الانسجام،
يغمائي،
صابر،
عثمان جلال،
سليمان العيسى.

الملخّص

لاشك أن قصة الثعلب و الغراب لقد حظي باهتمام الشعراء و القاصين منذ زمن بعيد. إن الشعراء في مختلف البلدان لقد نظموا هذه الحكاية و بأساليب مميزة و بعدة لغات. هذه الدراسة تنوي تسليط الضوء على دراسة آثار أربعة شعراء هم حبيب يغمائي الشاعر الفارسي و علي أكبر صابر الشاعر التركي و سليمان العيسى الشاعر السوري و محمد عثمان جلال الشاعر المصري، كما أنها تنوي مقارنة هذه الاشعار. نحن في هذه الرسالة نسعى إلى تقييم الجوانب المختلفة للجمال و الابتكار و التشابهات و الاختلافات و الفاعليات المختلفة لقصيدة الثلعب و الغراب في أربعة مستويات بما فيها الموسيقى الداخلي و الخارجي و البلاغي و الجانب النحوي و الفكري في آثار الشعراء الأربعة الآنفة الذكر، مستخدمين أسلوب الوصف و التحليل بناء على المدرسة الأمريكية و التي تعتبر أصلي الفعل و الانفعال والعلاقة التاريخية شرطا ضروريا في المقارنة بين الادبين. إن دراسة النصوص الشعرية لهؤلاء الشعراء تدل على أنهم يؤلون اهتماما خاصا بالموسيقى الشعرية و ذلك ليضفوا قصيدتهم روعة و جمالا و قد استخدموا التشبيه و الاستعارة و الجناس و إذا قمنا بالمقارنة بين هؤلاء الشعراء الأربعة نجد أن سليمان العيسى لا يهتم بالسجع الابتدائي و الإيقاع الشعري إلا القليل. هذه القصيدة تكثر فيها القوافي و الرديفات و الموسيقى مما يسهل عملية الحفظ للأطفال. لكن سليمان ينهج منهج أسلوب الشعر الحر و نستشعر بالموسيقى كثيرا. أما من الناحية الفكرية فإن الشعراء يستهدفون التعليم و التربية و التجنب عن التملق و المداهنة إلى جانب الدعوة إلى الصدق. إن شعر يغمائي يترك استنتاج المدلول على عاتق القرّاء بينما الآخرون لقد أشاروا إلى مداليل الحكاية.

الإحالة: احمدزاده هوج، بروين؛ صياداني، علي؛ دويران، منوچهر (١٤٤٥). أسلوبية قصيدة الثعلب و الغراب مركّزا على اشعار حبيب يغمائي، ميرزا علي أكبر صابر، سليمان العيسى و محمد عثمان جلال. *بحوث في الأدب المقارن*، ١٣ (٢)، ١-٢٠.

النشر: جامعة رازي

© الكتّاب.

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6691.2284

شاپـــای چـاپـی: ۶۵۱۵-۲۶۷۶
شاپای الکترونیکی: ۶۵۲۳-۲۶۷۶

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی
https://jccl.razi.ac.ir/

سبک‌شناسی شعر روباه و کلاغ با تکیه بر اشعار حبیب یغمائی، میرزا علی‌اکبر صابر، سلیمان العیسی و محمد عثمان جلال

پرویز احمدزاده هوچ[۱]| علی صیادانی[۲]| منوچهر دویران[۳]

۱. نویسندهٔ مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: ac.ahmadzadeh@azaruniv.ac.ir
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: a.sayadani@azaruniv.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: m.daviran@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۲/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

واژه‌های کلیدی:
شعر کودک،
روباه و زاغ،
یغمائی،
صابر،
عثمان جلال،
سلیمان العیسی.

چکیده

حکایت روباه و کلاغ از دیرباز موردتوجّه شاعران و داستان‌سرایان قرار گرفته است، شاعران در کشورهای مختلف، به زبان‌های متنوع و با سبک‌های متمایز این داستان را به نظم کشیده‌اند. در این پژوهش به بررسی و مقایسه سروده‌های چهار شاعر؛ حبیب یغمائی، (شاعر فارسی‌زبان) و علی‌اکبر صابر (سراینده اشعار ترکی) و سلیمان العیسی، شاعر سوری محمد عثمان جلال شاعر مصری‌تبار می‌پردازیم. این جستار با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس مکتب آمریکایی (که در تطبیق دو ادب اصل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و داشتن ارتباط تاریخی را شرط واجب نمی‌داند) در ادبیات تطبیقی می‌کوشد جنبه‌های مختلف زیبایی شناسانه، نوآوری، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و کارکردهای مختلف قصیده «روباه و زاغ» در چهار سطح؛ آوایی (موسیقی درونی و بیرونی)، بلاغی (کارکردهای زیبایی‌شناسی) لایه نحوی و فکری در آثار چهار شاعر نامبرده را ارزیابی کند. بررسی متون شعری این شاعران نشان می‌دهد که همه آن‌ها، جهت زیبا و جذاب جلوه دادن سرودهٔ خود به موسیقی شعر، اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و از انواع تشبیهات و استعارات و جناس‌ها استفاده نموده‌اند. توجّه به واج‌آرایی و ضرب‌آهنگ شعر در سروده سلیمان العیسی نسبت به سه شاعر دیگر، کمتر است، شعر یغمائی، صابر و عثمان جلال دارای ردیف و قافیه و آهنگین است و کودکان به‌راحتی قادر به حفظ آن هستند، ولی سروده سلیمان العیسی به سبک شعر نو است و ضرب‌آهنگ آن چندان ملموس نیست. در لایه فکری، هدفشان تعلیم و تربیت و دوری از چاپلوسی و راست‌گویی کودکان است. یغمائی دریافت پیام متن را به عهدهٔ مخاطب نهاده است ولی شعرای دیگر به پیام داستان اشاره نموده‌اند.

استناد: احمدزاده هوچ، پرویز؛ صیادانی، علی؛ دویران، منوچهر (۱۴۰۲). سبک‌شناسی شعر روباه و کلاغ با تکیه بر اشعار حبیب یغمائی، میرزا علی‌اکبر صابر، سلیمان العیسی و محمد عثمان جلال. *کاوش‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*، ۱۳ (۲)، ۱-۲۰.

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6691.2284

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

«کودکی شعر زندگی/ و شعر کودکی جهان هستی است». (خردخورد و آذرمکان، ۱۳۹۴: ۱۷۷)

حکایات، یکی از منابع تشکیل‌دهندهٔ ادبیات کودک است، برخی حکایت‌ها مختص گروه و سرزمین خاصی هستند، اما برخی حکایات، به مدد ترجمه به‌صورت منظوم و منثور در سراسر جهان پراکنده‌اند. حکایت «روباه و زاغ[۱]» یکی از آن حکایت‌هایی است که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است و به‌نوعی منبع آن را حکایت‌های لافونتن دانسته‌اند. لافونتن، افسانه‌پرداز قرن هفدهم فرانسه، با انتشار کتاب فابل‌ها (در ۱۲ کتاب و ۲۳۹ حکایت) در حکایت‌پردازی و تمثیل، باب تازه‌ای گشود. وی بیشتر این حکایات اندرزگونه را از آثار گذشتگان و افسانه‌های کهن، همچون *داستان‌های ازوپ*، *فدر*، *بیدپای هندی*، *کلیله و دمنه* و دیگران اقتباس کرده است. او از میان آن‌ها بهترین افسانه‌ها را برگزیده تا کودکان با خواندن این داستان‌ها به راه راست هدایت شوند. (امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸). ازآنجاکه «شخصیت حیوان، مناسب‌ترین پایه برای ساختمان قصه‌ها و اشعار کودکان و مأنوس‌ترین عنصر برای شناخت اوست و حیوان در آثار مربوط به کودکان شخصیتی استعاری، آموزشی و آرام‌بخش برای آن‌هاست» (رفیع محمدی، ۱۳۸۴: ۵۸)؛ بنابراین «لافونتن، از جانوران برای آموختنِ انسان‌ها بهره جست» (لافونتن، ۱۳۸۰: ۱۶). در ایران، علی‌اکبر صابر[۲] و حبیب یغمائی[۳] و در جهان عرب، عثمان جلال[۴] و سلیمان العیسی[۵]، آن را به نظم کشیده‌اند.

۱-۲. ضرورت، اهمّیت و هدف

شعر «روباه و زاغ» به‌عنوان یک شعر تعلیمی محسوب می‌شود که دانش‌آموزان در مدارس به حفظ نمودن آن اهتمام می‌ورزند و چه‌بسا تا پایان عمر آن را از یاد نمی‌برند. به فرمودهٔ امام علی (ع): «**العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر**» (**مجلسی، ۱۳۹۴: ۲۲۴**). آموزه‌های این شعر در اندیشه‌های آن‌ها مؤثر واقع می‌شود و از مضامین اخلاقی آن در زندگی بهره‌مند می‌شوند. کودکان برخی حقایق، معارف و اندیشه‌های تازه را در پرتو شعر تعلیمی می‌آموزند؛ بنابراین بررسی سبک شعر کودکان در سبک آوائی، نشانه‌شناسی، دستوری و فکری ضروری می‌نماید تا مشابهت‌ها و تفاوت‌های سبک سرایندگان آن روشن گردد. پژوهش‌های تطبیقی موجب ایجاد تفاهم و درک متقابل ملت‌ها از یکدیگر و نزدیک شدن دیدگاه‌های آن‌ها به همدیگر می‌شود، آگاهی ملت‌ها از ادبیات یکدیگر و اشتراکات و اختلافات آثار ادبی، منجر به شناخت آن‌ها از *فرهنگ‌های* همدیگر می‌گردد، درنتیجه موجب گسترش روابط دوستانه وزندگی مسالمت‌آمیز و کاهش

نزاع و درگیری است (محمد جمعه، ۱۹۸۰: ۲۱). پی بردن به مضامین مشترک میان ادبیات ملت‌ها از طریق مقایسهٔ آن‌ها با یکدیگر در سطوح چهارگانه (آوایی، بلاغی، نحوی و فکری) حاصل می‌شود؛ بنابراین با انجام پژوهش‌های تطبیقی سبک‌شناسی، به ویژگی‌های شعر «روباه و زاغ» در سروده‌های این شاعران و اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مشترک آن‌ها دست می‌یابیم.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- اشعار این شاعران چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی باهم دارند؟
- سطوح چهارگانه در سرودهٔ کدام شاعر از بسامد بالایی برخوردار است؟

٤-۱. پیشینهٔ پژوهش

در مورد این شاعران و شعر (روباه و زاغ)، کتاب، پایان‌نامه و مقالات متعددی به رشتهٔ تحریر درآمده است ازجمله:

کتاب *ادب الاطفال بین احمد شوقی و عثمان جلال* نوشتهٔ احمد زلط (۱۹۹۴). در این کتاب اشعاری از کتاب *العیون الیواقظ* عثمان جلال و اشعار کودکانه احمد شوقی آورده و به این نتیجه دست یافته که بخش اعظم آثارشان ترجمهٔ کار دیگران است و تفکر تازه‌ای در آن‌ها وجود ندارد و جزء کارهای اولیه درزمینهٔ ادبیات کودکان است و آن‌ها را مورد نقد و تحلیل قرار داده است.

«بومی‌سازی ترجمه‌های منظوم حکایت کلاغ و روباهِ لافونتن در حرکت از فرانظام به نظام بر اساس نظریهٔ لوتمان» از اکبر شایان سرشت و همکاران؛ نشریهٔ ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۱ شماره ۲۱، ۱۳۹۸ در این مقاله به بررسی ویژگی‌های ترجمه منظوم حکایت «روباه و کلاغ» ایرج میرزا، نیّر سعیدی و حبیب یغمائی پرداخته شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که در ترجمهٔ این حکایت جنبهٔ انتقادی و تعلیمی بر جنبهٔ طنزِ اصلیِ اثر چیره شده است و شعر یغمائی در مقایسه با اشعار شعرای دیگر، از اعتبار و پایائی بیشتری برخوردار است.

پایان‌نامهٔ «شرح و بررسی اشعار سلیمان العیسی با تکیه بر مضمون و موسیقی»، نگارنده: رسول دشتیان، دانشگاه تهران، سال (۱۳۸۹). در این پایان‌نامه، اشعار سلیمان العیسی ازلحاظ مضمون (ملی‌گرایی و ادبیات کودکان) و عوامل روی آوردن شاعر به این دو موضوع، عناصر مختلف موسیقی (بیرونی و درونی) و موسیقی معنوی تناسب و هماهنگی‌های معنایی و ارتباط میان وزن و محتوا، مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقاله «بررسی تفاوت‌های سبکی و زبانی شعر روباه و زاغ در اشعار ایرج میرزا و حبیب یغمایی»؛ همایون علیدوستی روزنامهٔ اطلاعات ۱۴ اسفند، (۱۳۹۳) نویسنده تفاوتِ ویژگی‌های سبکی و زبانی دو شاعر را از

منظرِ مختلف باهم مقایسه نموده است و به این نتیجه دست یافته است که معیارهای زبانی و سبکی از عوامل مهم مقبولیت شعر است و نیز علل ماندگاری اثر یغمائی را بیان نموده است.

بررسی «انواع ترجمه‌های منظوم از حکایت روباه و کلاغ در ایران و مقایسهٔ آن با نمونهٔ عربی آن». نویسنده: زهرا خورسند علیزاده، هفتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی، خرداد ۱۳۹۸، نویسنده، ترجمهٔ منظوم اشرف‌الدین گیلانی ایرج میرزا، حبیب یغمائی و عثمان جلال را باهم مقایسه و تحلیل نموده است و نتیجه گرفته که این ترجمه‌ها در شکل‌گیری ادبیات کودکان نقش مهمی داشته‌اند.

«بررسی و تحلیل اشعار تعلیمی سلیمان العیسی در حوزهٔ ادبیات کودک»، توسط مهین حاجی‌زاده و همکاران، پژوهشنامهٔ نقد ادبی شماره ۱۱، سال ۱۳۹۴ نویسندگان به تحلیل مفاهیم تربیتی، فرهنگی و اجتماعی اشعار سلیمان العیسی اقدام نموده‌اند.

مقاله «**البنیة السردیة فی قصیدة الاطفال یحملون الرأیة**» لسلیمان العیسی، توسط مهتاب دهقان و رسول بلاوی، مجلهٔ اضاءات نقدیّه سال نهم شماره ۳۳، سال ۲۰۱۹ در این پژوهش، محتوای قصیده که دربارهٔ حماسه و مقاومت، نمادها و قهرمانان تاریخی و آزادی فلسطین است؛ ورد بررسی قرار گرفته است.

«**الهویة الوطنیه فی شعر سلیمان العیسی للاطفال**»، زهرا فرید و فاطمه اکبری‌زاده، **مجله الثقافة العربیه وآدابها**، السنه ۱۵، العدد ۴، شتاء (۱۴۱۴) نویسندگان با بررسی اشعار کودکانهٔ سلیمان العیسی به این نتیجه رسیده‌اند که هر آنچه به کودک مربوط می‌شود. شاعر به آن رنگ و بوی وطن‌دوستی و حفظ هویت ملی بخشیده است.

مقایسهٔ تطبیقی حکایت اخلاقی «کلاغ و روباه» در شعر ایرج میرزا و احمد شوقی با اصل فرانسوی، مسعود دهقانی نشریهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، تابستان ۱۳۹۹، ش ۲۴۱، نویسنده معتقد است بر اساس مهارت و تسلط ایرج میرزا و شوقی در بومی‌سازی حکایت اخلاقی لافونتن، این ترجمه‌ها از نمونه‌های موفقِ انتقالِ مضامین اشعار اروپائی خصوصاً ادبیات فرانسه به شعر فارسی و عربی است.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

سبک‌شناسی: پژوهش‌های سبک‌شناسی یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی معاصر در ادبیات هست و جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات ادبی و زبان‌شناسی معاصر به‌ویژه در دانش نقد ادبی به خود اختصاص داده است. سبک عبارت است از «شیوهٔ کاربرد زبان در یک بافتِ متن، برای هدفی مشخص»(فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۶) به عقیدهٔ عبدالمطلب «سبک به روش تعبیر نزد نویسنده اطلاق می‌شود»(عبدالمطلب، ۱۹۴۴: ۱۸۵)

این دانش به تحلیل آثار ادبی و اکتشاف ارزش زیبایی و هنری متن می‌پردازد و از رهگذر تحلیل عناصرِ سبک‌ساز ازجمله ساختارهای زبانی اثر و اندیشه و عواطف گوینده. کارکرد صنایع ادبی و بلاغی، به تعیین

سبکِ نویسنده می‌پردازد. در سبک‌شناسی تطبیقی وجود دو متن یا بیشتر، لازم است تا پژوهشگر به مقایسهٔ آن متون در سطوح مختلف اقدام کند.

ادبیات تطبیقی: نوعی پژوهش بین‌رشته‌ای است که به مطالعهٔ رابطهٔ ادبیاتِ ملت‌های مختلف باهم و بررسی رابطهٔ ادبیات با هنرها و علوم انسانی می‌پردازد (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). ادبیات تطبیقی با سبک‌شناسی تطبیقی، تفاوت‌هایی دارد. ازجمله: سبک‌شناسی تطبیقی دانش توصیفی است ولی ادبیات تطبیقی علم ارزش‌گذاری است. سبک‌شناسی تطبیقی، یک روش نقدیِ زبانی و ادبی است که به تحقیقِ خودِ متن می‌پردازد و وظیفهٔ اصلی آن تمرکز به عناصر اصلی و داخلی متن است و به عوامل بیرونی چندان توجّهی ندارد ولی ادبیات تطبیقی، افزون بر زبان به عوامل محیطی و تاریخی اهتمام می‌ورزد؛ چراکه شناختی تاریخی، رکنِ مهمی در بررسی اثرگذاری و اثرپذیری دارد که وسیلهٔ ارتباط دوجانبه است و نیز سبک‌شناسی تطبیقی بر ارتباط متون با همدیگر متمرکز است، بدون بررسی اثرپذیری و اثرگذاری، بلکه بر تشابهات و تفاوت‌های آن تأکید می‌کند (عبدی و محمدزاده، ۱۳۹۳: ۵۳). مکتب آمریکائی در تطبیق میان دو ادب، اصل تأثیرگذاری تأثیرپذیری و داشتن ارتباط تاریخی را شرط لازم نمی‌داند.

۱-۵-۱. زمینه تاریخی شعر روباه و کلاغ

افسانهٔ روباه و کلاغ، یکی از کهن‌ترین حکایت‌های بشری است که در افسانه‌های ازوپ (مربوط به سال ۶۰۰ قبل از میلاد)، کلیله‌ودمنه (سال‌های ۱۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد) دیده می‌شود. در منابع اولیهٔ لاتین و یونانی، نمونه‌هایی از این حکایت وجود دارد، حتی تصاویری بر روی گلدان‌های یونانِ باستان به چشم می‌خورد که گمان می‌رود این حکایت را به تصویر کشیده است. در نسخهٔ یونانی پاپیروس، داستان را با یک شوخی با کلاغ ساده‌لوح به پایان می‌برد که تو لال نبودی، به نظر می‌رسد صدا هم داری، تو همه‌چیز داری، جناب کلاغ، به‌جز مغز.» (علیزاده، ۱۳۹۸: ۴)

این داستان به زبان‌های مختلفِ جهان برگردانده شده است، ازجمله به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی. در ایران میرزا تقی‌خان اعلم الدوله پزشک ناصرالدین‌شاه، حبیب یغمائی، ایرج میرزا، نیرسعیدی و نسیم شمال آن را به فارسی و میرزاعلی اکبر صابر به زبان ترکی به نظم کشیده‌اند و در جهان عرب، سلیمان العیسی و محمد عثمان جلال به‌صورت شعر عربی درآورده‌اند.

۲-۵-۱. شیوه تطبیق در شعر روباه و زاغ

در این پژوهش، شعر چهار شاعر به سه زبان عربی، فارسی و ترکی با موضوع واحد در چهار سطح موردبررسی قرار می‌گیرد:

۱- سطح آوایی که شامل موسیقی درونی: ایقاع، سجع، جناس و...و موسیقی بیرونی، ایقاع ناشی از بحر عروضی و حروف روی (وزن و قافیه).

۲- سطح بلاغی: شامل زیبایی‌شناسی ازجمله؛ استعاره، تشبیه، صور خیال و...

۳- سطح نحوی (ترکیبی): چگونگی کاربرد واژگان، طبیعت آن واژگان و ترکیب جملات.

۴- سطح فکری: چیستی مضمون و موضوع شعری این شاعران.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. سطح آوایی

در بررسی ساختارِ یک شعر، سطح آوایی آن که جزء جدائی‌ناپذیر ساختمان شعر است، باید موردتوجّه قرار گیرد، همان‌طوری که شعر را «کلام موزون مقفی» تعریف می‌کنیم، این ویژگی یکی از ارکان لازم و ضروری شعر است که در موسیقی داخلی و خارجی متجلی است، (هرچند اخیراً برخی شاعران در شعر «حجم و کولاژ» چندان به رعایت این رکن پایبند نیستند). «درحالی‌که کودکان ذاتاً آهنگ موزون را دوست دارند و با آوای ترانه‌های مادرانشان به خواب می‌روند و عبارت‌های آهنگین را به خاطر می‌سپارند و آن را زمزمه می‌کنند و بدون توجّه به معنا، با شنیدن سخنان موزون و آهنگین به وجد می‌آیند و به شعری که قافیه واحد داشته باشد و کلمات تکرار شوند، علاقه‌مند می‌شوند؛ زیرا تکرار موجب تأکید آوایی و معنی و موضوع می‌شود» (ابومعال، ۱۹۸۸: ۹۹)؛ بنابراین موسیقی درونی و بیرونی دو عنصر مهم در ساختار یک شعر هستند.

۲-۲. موسیقی داخلی

موسیقی درونی عبارت است از: «هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۱). ازاین‌رو موسیقی درونی، ضرب‌آهنگی است که از درون واژه‌ها و از لابه‌لای آن‌ها به شکلی شگرف بیرون می‌تراود. این قلمرو موسیقی شعر، مهم‌ترین قلمرو موسیقی است و استواری، انسجام و مبانی جمال‌شناسی بسیاری از شاهکاری‌های ادبی در همین نوع از موسیقی نهفته است. وزن و قافیهٔ شعر در کنار موسیقی درونی، شعر را به اوج لذت و زیبایی نزدیک می‌کنند. موسیقی درونی (انواع تکرارها و جناس‌ها) مکمل موسیقی بیرونی و کناری هستند.

۲-۳. موسیقی ناشی از تکرار حروف

تکرار حروف در موسیقی لفظی، نقش مهمی دارد، گاهی کلمات در یک حرف یا حروف بیشتر باهم مشترک هستند و این حروف مشترک موجب پدید آمدن موسیقی زیبایی می‌شود. از علل دل‌نشینی و

جذابیت شعر یغمائی، تکرار صداها در عبارت شعری است؛ مانند:

روبـــــه پرفریـــــب حیلت‌ســـــاز رفـــت پـــای درخـــت و کـــرد آواز
گفـــــت به‌بـــــه چقـــــدر زیبـــــایی چـــه ســـری چـــه دمـــی عجـــب پـــائی

تکرار حرف «ر» و مصوت بلند «ی».

گـر خـوش‌آواز بـودی و خـوش‌خـوان نبـــدی بهتـــر از تـــو در مرغـــان
پـــر و بالـــت ســـیاه‌رنـــگ و قشـــنگ نیســـت بـــالاتر از ســـیاهی رنـــگ

تکرار حرف صامت «خ» و حرف «گ» ضرب‌آهنگ ویژه‌ای به ابیات فوق بخشیده است.

در سروده سلیمان العیسی، واج‌آرائی بسامد کمتری دارد و به چند مورد محدود می‌شود. تکرار مصوت بلند «ا» و حرف «د» در مصرع‌های زیر: **یا رائع المنقار/ وددت لو اجید؛** و تکرار مصوت «ی» در دو مصرع زیر: «**غنائی ساحر یا سیدی/ حین یأتیک موشی بالریاء**»؛ و تکرار حـرف «ل و أ» در مصـرع زیـر: «**لم یأبه إلی ألحانه أحد و لم یطرب.**»

در شعر جلال عثمان نیز صنعت واج‌آرائی به چشم می‌خورد مثل:

۱. فشـــمها الثعلـــب مـــن بعیـــد لمـــا راهـــا کهـــلال العیـــد
۲. کنـــت اظـــن انّ فیـــک ریشـــاً هـــذا حریـــر مـــا أری منقوشـــاً

(ترجمه: ۱. روباه زمانی بوی آن را از دور حس کرد زمانی که آن (پنیر) را همچون هلال عید دید. ۲. مـی‌پنداشـتم کـه توپَر داری گوئی این ابریشم است درحالی‌که نقش و نگاری نمی‌بینم.)

تکرار حروف «ع و ه» و یا تکرار حرف «ن» «ش»

واج‌آرائی حرف «ق و ل» در بیت زیر:

وقـــال یا لیـــل بـــدون القیمـــه فســـقطت مـــن فمـــه الغنیمـــه

(ترجمه: تا گفت: ای شب، فوراً آن غنیمت (پنیر) از دهانش افتاد.)

تکرار حرف «ت» در بیت آخر، فضائی از تمتمه ایجاد می‌کند که القاء کنندهٔ احساس پشـیمانی و نـدامت است و حالت فرد پشیمان و نادم را به تصویر می‌کشد. عطف با حرف «ف» نیز نشانگر سـرعت عکـس‌العمـل کلاغ بعد از مغبون شدن است.

فـــاعتبر الغـــراب مـــن ذی التوبـــه وتاب ولکـــن لات حـــین توبـــه

(ترجمه: کلاغ از این (کار) توبه عبرت گرفت و پشیمان شد ولی افسوس زمان توبه نبود.)

واج‌آرائی در شعر علی‌اکبر صـابر در مقایسـه بـا شـعر یغمـائی، عثمـان جـلال و العیسـی از بسـامد بـالایی برخوردار است و در همهٔ ابیات دوازده‌گانهٔ آن نمود پیداکرده است، تکرار حـرف یـا کلمـه در شـکل‌گیـری

موسیقی و ضرب‌آهنگ دل‌نشین، سهم بسزایی دارد، تکرار حرف (ن و س) موسیقی ویژه‌ای به شعر بخشیده است که احساسات کودکان را برمی‌انگیزد. این حروف با هدف واج‌آرائی و تأکید و مبالغه، بارها در این شعر تکرار گردیده است، کاربرد حرف «س» برای توصیف مناسب است.

۱. دئدی: أحسن سنه آقارغا آغا نه نزاکتله قونموسان بوداغا

۲. نه گؤزه لسن نه خوش‌لقا سن سن یئری وار سؤیله سم-همماسن سن

۳. بو یقین دیر کی وار سؤیلملی سسین اُخو، وئرسین منه صفا نفسین

(ترجمه: ۱. گفت: ای آقا کلاغ درود بر تو چقدر خوب و محترمانه بر این شاخه نشسته‌ای. ۲. تو چقدر زیبا و خوش قامت هستی، سزاوار است که تو را مرغ سعادت (هما) بنامم. ۳. بر من یقین است که صدای زیبایی داری، حالا آواز بخوان تا نوایت بر روح من صفا دهد.)

صدای «نون» که از حروف غنه ماست و تکرار آن گوش‌نواز است و حالتی از اشتیاق و شادی در کودکان ایجاد می‌کند و حرف (سین) جزء حروف همس است و دارای آهنگی خفیف است.

٤-۲. موسیقی ایجادشده از تکرار واژگان

گاهی تکرار واژگان، موجب ایجاد ضرب‌آهنگ خاصی در شعر می‌شود تلفظ و تکرار آن برای کودکان، شادی می‌آفریند و موجب سهولت حفظ شعر و تأکید مفهوم آن می‌گردد. ازجمله تکرار واژگان در شعر سلیمان العیسی:

«أنا الثعلب/ أنا الثعلب/ادور/ ادور. فوق الغصن/ فوق الغصن کان غراب. دعونی الان أقدح فکرتی/ وتجیئه الفکره.» (سلیمان العیسی، ۱۹۹۹: ۴۰۸ –۴۱۰)

(ترجمه: من روباهم، من روباهم، می‌چرخم، می‌چرخم. بالای شاخه کلاغی است. اکنون مرا رها کنید تا بیندیشم و چاره‌ای به ذهنم رسید.)

تکرار کلمات به شعر عثمان جلال زیبایی دوچندانی بخشیده است مانند تکرار واژگان احلی و قبض و نیز تکرار اشتقاقی «تاب والتوبه» غنای خاصی به موسیقی شعر وی بخشیده است.

۱. لله ما احلاک حین تنجلی صوتک احلی من صیاح البلبل

۲. قبضها الثعلب قبض الروح وقال فی بطنی حلالا روحی

۳. فاعتبر الغراب من ذی التوبه وتاب ولکن لات حین توبه

(ترجمه: ۱. چه زیباست زمانی که صدایت را آشکار می‌کنی، گوش‌نوازتر از آواز بلبل است. ۲. روباه همچون گرفتن روح (از بدن) برجست و آن را برگرفت و گفت برایم حلال است. ۳. کلاغ از این توبه عبرت گرفت و توبه نمود، ولی افسوس زمان توبه تمام شده بود.) (عثمان جلال، ۱۹۰۶: ۵).

در اشعار صابر نیز تکرار واژه‌ها ضرب‌آهنگ ویژه‌ای به ابیات بخشیده است، مانند:

۱. تولکو گؤرجک یواش‌یواش گلدی انـــدریب بـــاش ادبلـــه چؤمبلـــدی
۲. بیر زمان حسرت ایله قارغا ساری آلتدان آلتدان ماریتدی باش یوخاری
۳. نه گوزلسن نه خوش‌لقا سن سن یری وار سؤیله سم- همـا سـن سـن

(ترجمه: ۱. روباه به‌محض مشاهدهٔ کلاغ آرام‌آرام به راه افتاد، سر تعظیم فرود آورد و مؤدبانه نشست. ۲. در این زمان با حالت حسرت و افسوس به‌طرف کلاغ نگاه کرد و کم‌کم سرش را به سمت بالا بلند کرد. ۳. تو چقدر زیبا و خوش‌چهره هستی، شایسته است تو را هما (مرغ سعادت) بنامم.)

تکرار واژگان (یواش، آلتدان وسن) موجب آهنگین شدن شعر وی گردیده است

در سرودهٔ یغمائی، تکرار کلمه (بَه، چه و رنگ) موجب گوش‌نوازی شعر وی گردیده است.

گفـــت به‌بـــه چقـــدر زیبـــایی چـه سـری چـه دمـی عجـب پـائی
پـر و بالـت سـیاه‌رنـگ و قشـنگ نیســت بــالاتر از ســیاهی رنــگ

۵-۲- موسیقی برآمده از تکرار عبارت‌ها

منظور از آن تکرار جمله یا سطر شعر در اول و آخر عبارت است، تکرار عبارت‌ها در اشعار این شاعران بسامد پایینی دارد که سلیمان العیسی «أنا الثعلب، أدور و فوق الغصن» را در بخش اول شعر چند بار تکرار کرده است، این تکرار افزون بر تأکید، ضرب‌آهنگ خاصی به شعر سلیمان العیسی بخشیده است. در سروده عثمان جلال نیز تکرار «احلی» بیت زیر را زیباتر نموده است:

لله مـا احـلاک حـین تنجلـی صوتک احلی من صیاح البلبل

۶-۲- برخی صنایع بدیعی ناشی از تکرار

صناعات بدیعی که در ریتم کلام نقش مهمی دارد به‌ویژه صناعات لفظی که در اینجا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رد العجز علی الصدر که عثمان جلال و یغمائی جهت آهنگین کردن شعرشان ازاین‌گونه صنایع استفاده نموده‌اند.

لله مـا أحـلاک حـین تنجلـی صـوتک أحلـی مـن صـیاح البلبـل
فـاعتبر الغـراب مـن مـن ذی التوبـه وتاب لکـــن لات حـــین توبـــه
طعمـه افتـاد چـو دهـان بگشـود روبهـک جسـت و طعمـه بربـود

زمانی که واژه‌ای در هر دو مصرع شعر تکرار گردد ریتم و ضرب‌آهنگ خاصی به آن شعر می‌بخشد، چراکه پژواک آواها در آغاز بیت، دوباره در پایان آن منعکس می‌شود.

ترصیع: هم‌وزن‌بودن واژگان و همسانی حروف پایانی کلمات یا تقارب آن‌هاست (هاشمی، ۱۳۸۵: ۴۰۶). ترصیع یکی از عناصر موسیقی درونی به شمار می‌آید. شاعر جهت هماهنگی و همنوایی در ساختار شعرش به‌کار می‌برد که موجب می‌شود واژگان شعر با یکدیگر هماهنگ باشند و باعث زیبایی شعر می‌شود. ترصیع در شعر عثمان جلال میان واژگان (**بیننا وهاهنا – تغنی وعنی – کلامه ومرامه واللقیمه والغنیمه**) و در شعر یغمائی (بدید و پرید – راهی و روباهی – خوش‌خوان و مرغان) و در شعر صابر (لقاسن و هماسن – یئدی دئدی – سارساقلار و یالتاقلار) و در سرودهٔ العیسی (افنان وعدوان – الثناء والریاء) که این‌گونه محسنات لفظی موجب آهنگین شدن شعر می‌شود و در زیبایی سبک و استحکام معنا مؤثر است.

افزون بر موارد پیش‌گفته از صنایع دیگری همچون: تجاهل العارف (**وجهک هذا أم ضیاء القمر**) در سروده عثمان جلال و ارسال‌المثل (اولماسایدی جهاندا سارساقلار/آج قالاردی یقین کی یالتا قلار) در شعر صابر استفاده شده است.

جدول ۱

موسیقی داخلی در شعر	تکرار حروف	تکرار حروف مشترک	تکرار واژه	تکرار سطر شعر	رد العجز علی الصدر	ترصیع
عثمان جلال	حروف مد (الف، یاء) و حرف ق، ل، ن	مد الالف والیاء	احلی، قبض، توبه	-	أحلاوأحلی در بیت هفتم، توبه وتوبه در بیت آخر	بیننا ها هنا، کلامه ومرامه، اللقیمه الغنیمه، خلقه وفوقه
سلیمان العیسی	حروف مد (الف، واو، یاء) وحرف دال	مد الالف والیاء	أنا، الثعلب، فوق، أدور، الغصن	أنا الثعلب، أدور، فوق الغصن	-	-
یغمائی	حروف مد (الف، یاء) وحرف د، ر، خ	مد الالف والیاء	بَه، چه، رنگ، طعمه، خوش	-	رنگ ورنگ در بیت پنجم، طعمه در بیت آخر	بدید و پرید، در راهی و روباهی، خوش‌خوان و مرغان
صابر	حروف مد (الف، یاء) و حروف ب، ر، ق، د، ن، س، ک	مدالالف والیاء	قارقا، یواش، آلتدان سن، پئندیر، غا	-	غا در آخر بیت نهم واول بیت دهم	لقاسن وهماسن، یئدی ودئدی، سارساقلارویالتاقلار

۷-۲. موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی همان وزن عروضی است، بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها و وزن، موسیقی بیرونی شعر را

ایجاد می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۰). بحور شعری و قوافی و ردیف‌ها، نمایانگر موسیقی بیرونی شعر به شمار می‌آید. از میان این شاعران، شعر سلیمان العیسی بر اساس سبک شعر تفعیله (نو) است ولی ابیات شعر یغمائی، عثمان جلال و صابر از دو بخش مساوی به سبک شعر کلاسیک است و هر بیت دارای قافیه واحد است که در فارسی و ترکی قالب «مثنوی» نامیده می‌شود و در ادبیات عرب «قصیده» نام دارد. شعر مقفی و آهنگین نزد کودکان جذابیت بیشتری دارد و حفظ آن برای این گروه سنی آسان‌تر است.

در شعر عثمان جلال، هر بیت قافیهٔ مستقل و مجزا دارد، موسیقی ساده و یکنواختی بر همهٔ ابیات حاکم است، زبان شعر، ساده، روان، فصیح و قابل‌فهم است، با توجّه به اقتضای سن مخاطبین از آوردن واژگان دشوار و مبهم خودداری نموده است. وزن عروضی شعر وی در بحر رجز است و «این بحر به خاطر نوسان وزن عروضی به این اسم نامیده شده است زیرا حذف دو حرف از هر بخش آن مجاز است و در وزن آن تغییرات زیادی ایجاد می‌شود و به‌صورت تام، مجزوء، منهوک و مشطور به‌کار می‌رود و به یک صورت باقی نمی‌ماند؛ بنابراین، برای شاعران سرودن شعر بر این وزن آسان است و قدما آن را «حمار الشعراء» نامیده‌اند» (فاخوری، ۱۹۹۶: ۶۹). شاعر برای مخاطبینش این بحر را برگزیده؛ زیرا طبیعت موضوع شعر و مخاطبینش این بحر را می‌طلبد چراکه با ذات پرجنب‌وجوش کودکان هماهنگ است، این بحر، ساده‌ترین بحرها و پرکاربردترین آن‌هاست و برای به نظم کشیدن مسائل تعلیمی مناسب است (الشایب، ۱۹۹۴: ۳۲۳).

۸-۲. قافیه در شعر یغمائی

به خاطر متنوع بودن قافیه در شعر یغمائی، حفظ آن برای کودکان آسان است، قافیه پایانی در هارمونی شعر تأثیر فراوانی دارد و با موضوع شعر مرتبط است. انتخاب صفات خوب از کارکردهای مناسب در قلمرو شعر و شاعری است، در شعر یغمائی، توصیف با درآمیختگی با سایر بازی‌های کلامی نظیر تکرار قیود تعجب، زیبایی خاصی به خود گرفته وبر غنای موسیقی شعر نیز افزوده است مانند:

گفت به‌به چقدر زیبایی چه سری چه دمی عجب پایی

همچنین ختم برخی از قوافی به مصوت‌ها، نوعی التذاذ کلامی را در شعر به وجود آورده است، مانند این بیت به مصوت «ای» ختم شده:

بر درختی نشست در راهی که ز آن می‌گذشت روباهی

۹-۲. قافیه در شعر صابر

قالب شعر صابر مثنوی است و تنوع قافیه‌ها، زیبایی ویژه‌ای به آن بخشیده است، زبان شعر، ساده و قابل‌فهم

کودک و خالی از هرگونه ابهام و ایهام و یا صنایع ادبی دشوار است، تکرار حروف، زیبایی خاصی به ضرب‌آهنگ شعر داده است.

جدول ۲

موسیقی بیرونی	بحر عروضی	نوع قافیه	حرف روی
سلیمان العیسی	رجز	-	-
عثمان جلال	رجز مسدس مطوی مخبون	مطلقه (متحرک بودن حرف روی)	متغیر
صابر	خفیف مسدس مخبون	مقیده (سکون حرف روی)	متغیر
یغمائی	خفیف مسدس مخبون محذوف	مقیده (سکون حرف روی)	متغیر

۱۰-۲. سطح ترکیبی

سطح ترکیبی در واژگان و جملات متجلی می‌شود، هدف آن، بررسی ویژگی واژگانی است که شاعر در شعر خود به‌کار می‌برد تا مشخص شود ازچه نوع کلماتی استفاده نموده است، آیا در متن، واژگانی ناآشنا و نامأنوس وجود دارد؟ آیا این واژگان بر مفهوم تازه‌ای در این متن دلالت می‌کنند؟ چه نوع جملات و ترکیب‌هایی را به‌کاربرده؟ اسمیه هستند یا فعلیه؟ بلند و مبهم هستند یا کوتاه و ساده؟ خبریه هستند یا انشائیه؟ که درنهایت منجر به شناخت سبک شاعر می‌شود.

یکی از ویژگی‌های نویسنده و شاعر، مخاطب شناسی است، نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد باید گنجینهٔ لغات و سطحِ درک و فهمِ کودک را در نظر بگیرد تا کودکان بتوانند تصویری از حقایق مجرد را در ذهن خود تداعی کنند.

۱. علی‌اکبر صابر با زبان کودکانه و از طریق شعر روایی و داستانی به بیان مباحث پرداخته است. حیوانات، قهرمان و ضدقهرمان داستان هستند و موجب عینی سازی مباحث ذهنی شده است. از کلمات اصیل، مأنوس و آهنگین ترکی استفاده نموده است، تکرار برخی واژه‌ها مانند «یواش و آلتدان» و تراکم برخی واج‌ها مثل «س، ش، ن» هارمونی خاصی به شعر بخشیده است. واژگان شعری وی متناسب با سطح دانش و درک کودکان است. بسامد جملات اسمیه بیش از فعلیه است. آغاز دل‌نشین و فضاسازی مناسبی دارد، استفاده از تشبیهات ساده و محسوس از دیگر امتیازات شعر علی‌اکبر صابر است.

۲. یغمائی: وی با پالایش زبانی، به اصل ایجاز و روایی در شعر توجّه ویژه‌ای نموده است، بنابراین شعرِ خود را به یک اثر ماندگار تبدیل نموده است. او در سرودهٔ خود معیارها و شاخص‌های سبکی و زبانی را مراعات کرده است، قافیه و وزنی که یک شاعر انتخاب می‌کند در جذابیت آن شعر نقش مهمی دارد و بخش مهمی از ریتم و موسیقی شعر را پدید می‌آورد. قافیه و وزن سرودهٔ یغمائی، متناسب با سطح سنّ کودکان است.

در شعر یغمائی، پایان برخی قافیه‌ها بر مصوت‌ها، نوعی التذاذ کلامی به وجود آورده است:

بـــر درختـــی نشســـت در راهـــی کـــه از آن مـــی‌گذشـــت روبـــاهی
گفـــت بـــه‌بـــه چقـــدر زیبـــایی چـه سـری چـه دمـی عجـب پـایی

موسیقی و آهنگ شعر وی، نرم و ملایم است که ذهن کودکان را می‌نوازد و متناسب با فضای داستان است. آمیختگی توصیف با تکرار آهنگینِ قیدهای تعجب، لطافت و زیبایی ویژه‌ای به شعر وی بخشیده است.

گفـــت بـــه‌بـــه چقـــدر زیبـــایی چـه سـری چـه دمـی عجـب پـایی

یغمائی در شعرش به شیوهٔ کودکانه می‌اندیشد و لحن شخصیت‌های داستان به مخاطب داستان یعنی کودکان نزدیک است، برای سرزنش صفت فریبکاری و حیله‌گری به کلمهٔ روبه، پسوند تحقیر افزوده است. توصیفات وی نیز هنرمندانه است مثلاً رنگ سیاه را به‌گونه‌ای توصیف نموده است که در اندیشهٔ کودک، بهترین رنگ است.

برخی واژگان مانند: «حیلت‌ساز، پرفریب، نبدی، بربود، کرد آواز» در شعر وی در سطح کودکان نیست و به‌جای آن‌ها می‌توانست کلمات: حیله‌گر، آواز خواند و... به‌کار برد، هرچند شاعر به خاطر وزن و آهنگی که در شعر خود آفریده مجبور به استفاده از این کلمات شده است.

۳. عثمان جلال: وی این حکایت را در سطح فرهنگ و آداب مردم مصر به نظم کشیده است و از کلمات ساده و پرکاربرد استفاده نموده است و جملاتی ساده و عاطفی به‌کاربرده که هم قوه خیال کودکان را برمی‌انگیزد و موجب رشد گنجینهٔ لغات آنان می‌شود؛ مانند: **(حطَ) فوق شجره** که واژه «حط» در ذهن خواننده، منظرهٔ فرود آمدن کلاغ بر روی درخت را مجسم می‌کند و نیز عبارت **(لله ما احلاک)** نشان‌دهندهٔ، جذاب و گوش‌نواز بودن صدای زاغ است که به‌نوعی تعجب همراه با مدح را می‌رساند و کلمهٔ (رنا) بیانگر محل قرار گرفتن زاغ و روباه است و عبارت (رنا بعینه) یعنی زاغ، با حالت تأسف و اندوهگین به خاطر از دست دادن قطعه پنیر، به روباه می‌نگریست.

بااین‌وجود، این قطعه، اشکالاتی هم دارد ازجمله در مصرع دوم بیت چهارم به‌جای «**هذا حریر قدأری منقوشا**» بهتر بود می‌گفت: «**هذا حریر ما أری منقوشا**» که (قد) در اینجا وزن شعر را مخدوش می‌کند و نیز در مصرع اول بیت پنجم به‌جای «ما» بهتر است «من» باشد، زیرا کلمهٔ «ما» مخلّ معناست؛ و نیز واژه «طارشا» در بیت یازدهم نامأنوس است (زلط، ۱۹۹۴: ۲۹-۳۰).

«یکی از امتیازات عثمان جلال به نظم کشیدن این قطعه در قالب حکایت است، او سروده‌اش را با فعل

ماضی شروع نموده که نشانگر داستان‌واره‌بودن این منظومه است (کان) الغراب... افزون بر آن به‌کارگیری واژگانی که دلالت بر محاوره و استمرار اتفاقات داستان است مانند «**وقال، وقال له، وها أنا، ثم رنا وخذ**» و حرف «ف» شمها، دلالت بر استمرار دارد» (همان:۳۰).

۴. سلیمان العیسی: سلیمان العیسی، حکایت مذکور را در قالب شعر نو به نظم کشیده و در مقایسه با شعر یغمائی، صابر و عثمان جلال، قدری طولانی است و حفظ آن برای کودکان دشوار است، برخی تکرارها ملال‌آور است و بعضی واژگان و عبارت‌ها مانند «**الافنان، حالک، آسر، الاطراء، أشرع فاه ولم یأبه**» با سطح دانش واژگانی کودکان سازگار نیست، فضاسازی مناسب و آغاز دل‌نشینی ندارد. در گزینش واژگان به‌جای «تصیدها» کلمه «اختطف» مناسب‌تر به نظر می‌رسد. لحن انتخابی شعر وی آن‌چنان به لحن کودکانه نزدیک نیست.

۱-۱۰-۲. صور خیال

«به‌طورکلی شعریت هر شعر، مربوط به نحوهٔ کاربرد شاعر از عنصر خیال است و خیال صورت‌های گوناگونی دارد که هر یک به‌تنهایی نقش سازنده در ساختار شعر دارند. شعر کودک نیز سرشار از صورت‌های خیال است و هر شاعری برای سرایش شعر کودک، به گونه‌های خیال در شعر توجّه وافری دارد. تشبیه، استعاره، تشخیص و مَجاز از گونه‌های مختلف خیال است» (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۱). تشبیه و استعاره در شعر، در آفرینش تصویرهای ذهنی شاعرانه نقش مهمی دارد، اما نباید فراموش کرد که کودکان دنیای تجربی محدودی دارند، لذا شاعر در انتخاب بارِ رمزی و نمادین کلمه‌ها باید به دنیای تجربی کودکان توجّه داشته باشند. به خاطر محدود بودن درک و فهم کودکان، صور خیال در شعر کودکان، اندک است و معمولاً در چارچوب حواس پنج‌گانهٔ کودکان است تا کودک به‌وسیلهٔ آن جهان پیرامون خود را کشف کند. شاعر از خیال کمک می‌جوید؛ زیرا حقیقت مجرد برای تعبیر از احساساتش کفایت نمی‌کند.

۲-۱۰-۲. سطح فکری

اولین هدف این چهار شاعر از سرودن این قطعه شعر، آموزش مسائل تربیتی، دینی، اجتماعی و اخلاقی است، پرهیز از زودباوری و تشخیص سخنان دروغ و راست و تقویت مهارت خواندن و افزایش گنجینهٔ لغات از اهداف دیگر این شعرا است. شخصیت بخشی به حیوانات، سبب می‌شود تا کودکان، مطالب و پیام‌های ارائه‌شده را سریع‌تر دریابند و با پرهیز از صفات ناپسند، صفات نیکو را یاد بگیرند و به‌کار گیرند.

در شعر یغمائی زاغ قالب پنیری را می‌بیند و آن را به دهان می‌گیرد و زود می‌پرد، تصویر زود پریدن، القاء کننده ربودن پنیر است، جهان‌بینی شاعر، پایان حکایت را تعیین می‌کند. وی با استفاده از «ک» تصغیر

در کلمه روبهک، او را تحقیر می‌کند. وجود حرکت و تصاویر سینمائی و سادگی و صمیمیت زبان، اثر وی را تازه‌تر و مدرن‌تر نشان داده است و شیوهٔ بیان او ترکیبی از مدرنیته و سنتی است، او در نحوهٔ بیان خود، آمیخته‌ای از فرا نظام (متن مبدأ) و ارزش‌های سنتی واقع در مرکز نظام (متن مقصد) را به نمایش گذاشته است، جنبهٔ انتقادی و تعلیمی بر جنبه‌ی طنز چیره شده است.

۳. نتیجه‌گیری

با تطبیق شعر «روباه و زاغ» در میان چهار شاعر این نتیجه به دست آمد که؛ سلیمان العیسی حکایت را در قالب شعر «نو» به نظم کشیده ولی شاعران دیگر به سبک شعر کلاسیک به نظم درآورده‌اند و به رعایت وزن و قافیه، پایبند بوده‌اند؛ و در بحرهای (رجز و خفیف) که متناسب با سن کودکان است، سروده‌اند. شعر این چهار شاعر در سطوح آوایی (قافیه، بحر و ضرب‌آهنگ)، بلاغی (تشبیه، استعاره صور خیال)، نحوی و فکری (مضمون و موضوع) باهم مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفت.

- ازلحاظ واژگان و ترکیب عبارت‌ها، یغمائی، صابر و عثمان جلال از واژه‌ها و عبارت‌های ساده و قابل‌فهم کودک استفاده نموده‌اند و از به‌کارگیری واژه‌های غریب و دشوار و خودداری کرده‌اند و تا حدّ امکان از مجاز و کنایه کمتر استفاده نموده‌اند ولی برخی واژه‌هایی که سلیمان العیسی به‌کاربرده بالاتر از گنجینهٔ لغات و سطح درک کودکان است. شعر یغمائی در مقایسه با اشعار سه شاعر دیگر درنهایت ایجاز سروده شده است و با کمترین واژگان عبارت‌ها، مفهوم و معنای موردنظر را به مخاطب خود القاء می‌کند و حشوی در آن وجود ندارد و حفظ آن برای کودکان آسان‌تر است.

- واج‌آرایی در شعر صابر نسبت به شعر شاعران دیگر بیشتر خودنمائی می‌کند و ضرب‌آهنگ ویژه‌ای به شعر وی بخشیده است. تکرار برخی واژگان و جملات در شعر هر چهار شاعر به چشم می‌خورد. صنعت «تضمین و بینامتنیت» در شعر همه آن‌ها وجود دارد. هدف هر چهار شاعر از به نظم کشیدن این حکایت، بیان مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزشی است. سلیمان العیسی، صابر و عثمان جلال در آخر شعرشان به پیام حکایت اشاره نموده‌اند، ولی یغمائی نتیجه‌گیری را به عهدهٔ مخاطب گذاشته است و همه شاعران جهت تأثیر بهتر شعرشان از فن گفتگو استفاده نموده‌اند.

٤. پی‌نوشت‌ها

(۱)

۱. پئندیر آغزیندا بیرقارا قارغا　　اوچاراق قوندو بیر اوجا بوداغا

۱. کان الغراب حطّ فوق شجره　　وجبنة فی فمه مدوره

۲. تولکو گؤرجک یاواش-یاواش گلدی	انـــدریب بـــاش ادبلـــه چؤمبلـــدی
۲. فشـــمّها الثعلـــب مـــن بعیـــد	لمـــا رآهـــا کهـــلال العیـــد
۳. بیرزامان حسرت ایله قارغا ساری	آلتدان-آلتدان ماریتدی باش یوخاری
۳. وقـــال یا غـــراب یا ابـــن قیصـــر	وجهـــک هـــذا أم ضـــیاء القمـــر
۴. دئـدی: «احسـن سـنه، آ قارغـا آغـا	نـــه نزاکتلـــه قونموســـان بوداغـــا
۴. کنـــت اظـــن أنّ فیـــک ریشـــاً	هـــذا حریرمـــا أری منقوشـــا
۵. بزه دین سـن بوگـون بیـزیم چمنـی	شـــادقیلدین بوگلمـــه بینلـــه منـــی
۵. وحرمـــة الـــودّ الـــذی مـــا بیننـــا	محبـــة فیـــک أتیـــت هـــا هنـــا
۶. نه گؤه لسن، نه خـوش لقاسـن سـن	یئـری وارسـؤیله سـم - هماسـن سـن
۶. و هـــا أنا أرجـــوک أن تغنّـــی	عســـی بـــک الهـــمّ یـــزول عنّـــی
۷. توکلریندیر ایپـک کیمـی پـارلاق	بـد نظـردن وجـودون اولسـون ایـراق
۷. للّه مـــا أحـــلاک حـــین تنجلـــی	صـــوتک أحلـــی مـــن صـــیاح البلبـــل
۸. بویقین دیرکی، وارسئویملی سسـین	اُخـــو، وئرســـین منـــه صـــفا نفســـین
۸. فانخـــدع الغـــراب مـــن کلامـــه	وجـــاء للخصـــم علـــی مرامـــه
۹. بؤیلـه سـوزدن فرحلـه نیـب قارغـا	آغزینی آچـدی تـاکی، ائتسـین - غـا
۹. وقـــال یا لیـــل بـــدون القیمـــة	فســـقطت مـــن فمـــه الغنیمـــة
۱۰. «غا» ائده رکـن هنـوز بیرجـه کـره	یئنـــدیری دیمدییـــندن ائنـــدی یئـــره
۱۰. قبضـــها الثعلـــب قـــبض الـــروح	وقـــال فـــی بطنـــه حـــلالا روحـــی
۱۱. تولکو فـوراً هـواده قاپـدی یئـدی	قارغایـا طعنـه ایلـه بریلـه دئـدی:
۱۱. ثم رنا بعینـــه مـــن فوقـــه	رأی الغـــرابَ طارشـــاً مـــن خلقـــه
۱۲. «اولماسـایدی جهانـدا سارسـاغلار	آج قـالاردی یقـین کـی، یالتـاقلار»
۱۲. قـــال لـــه یا ســـید الغـــربان	إنـــی بـــریء ولأنـــت الجـــانی
۱۳. مـــن ملّـــق النـــاس علـــیهم عاشـــا	وأکـــل الجبنـــة والجلاشـــا
۱۴. فـــاعتبرالغراب مـــن ذی التوبـــة	وتاب لکـــن لات حـــین توبـــة

«الغراب والثعلب» لسلیمان العیسی: أنا الثعلب/ أنا الثعلب،/ أدور/ أدور/ مضی زمن وتحت الغصن لم أبرح/ أدور/ أدور،/ سآکلها/ ستصبح من نصیبی قطعة الجبن/ وفوق الغصن،/ فوق الغصن کان غراب/ کبیر حالک اللون ،/ یعض بقطعة زهراء ناضرة،/ من الجبن/ تصیَیدها، متی؟من أین؟/ لاتسأل وتابعنی،/ تخیره مکانا هادئا،/ فی هذه الافنان/ وحط هنا لیأکلها،/ بمنجاة من العدوان/ أنا الثعلب/ أنا الثعلب،/ أدور/ أدور/ وهذه القطعة الزهراء/ من فوقی کوهج النور/ دعونی الآن أقدح فکرتی/ وتجیئه الفکره:/ صباح الخیر، یا زین الطیور/ ویا فتی الغربان/ قوامک ساحر:/ وبریق ریشک آسر فنان/ وتلقی الطیر أجمعها/ مقالید الامور لکا/ وددت لو اجید/ صناعة الاشعار/ وصدق أنه الأحلی/ وأن قوامه أبدع/ وأشرع فاه/ لم یأبه إلی ألحانه أحد ولم/ یطرب/ وفرّ الماکر المحتال، وهو یقول:/ لاتأسف/ ولکن.. کیف صوتک؟/ لو تغنی تصبح الملکا/ أتحسن النشید/ یا رائع المنقار؟/ وغاب الطائر المسکین/ فی الإطراء واستمتع/ غنائی ساحر یا سیدی/ أتحب أن تسمع/

فقبل غناه/کانت قطعة الجبن الشهیة فی فم الثعلب/ صدیقی الحلو/ لو فکرت کنت الاکمل الاظرف/ «لایغرنّک معسول الثناء/ حین یأتیک موشُ بالرُیاء.

شعر «روباه و زاغ» حبیب یغمائی

۱. زاغکی قالب پنیری دید — به دهان برگرفت و زود پرید
۲. بر درختی نشست در راهی — که ازآن می‌گذشت روباهی
۳. روبه پرفریب و حیلت‌ساز — رفت پای درخت و کرد آواز
۴. گفت به‌به چقدر زیبایی — چه سری چه دمی عجب پایی
۵. پر و بالت سیاه‌رنگ و قشنگ — نیست بالاتر از سیاهی رنگ
۶. گر خوش‌آواز بودی و خوش‌خوان — نبدی بهتر از تو در مرغان
۷. زاغ می‌خواست قارقار کند — تا که آوازش آشکار کن
۸. طعمه افتاد چون دهان بگشود — روبهک جست و طعمه را بربود

(۲) میرزا علی‌اکبر طاهرزاده متخلّص به صابر در سال (۱۲۴۱ ه.ش) در شماخی شیروان چشم به جهان گشود. علوم اولیه را در مکتب‌خانه‌ها فراگرفت. در هشت‌سالگی، معلمش به استعداد و نبوغ شعری وی پی برد و او را به سرودن شعر تشویق نمود. صابر پس از اتمام تحصیلات، به نوشتن مقاله و سرودن شعر مشغول شد و اشعار وی در روزنامهٔ فکاهی تأثیر زیادی در بیداری مردم داشت. صابر را بنیان‌گذار شعر واقع‌گرای آذربایجان می‌دانند. او طنزپردازی چیره‌دست است که شعر و قلمش در خدمت مردم ستمدیده و رنج‌کشیده، در دفاع از آزادی و عدالت اجتماعی بود. وی درد و رنج مردم زمانهٔ خود را با زبانی ساده و همه‌پسند به تصویر می‌کشید. در شعرش با ناراستی، دورویی، ستم، نابرابری، جهل و نادانی، ریا، استبداد و ناآگاهی مبارزه می‌کرد. در شماخی مدرسه‌ای به نام امید دایر کرد ولی به خاطر مخالفت‌ها بسته شد. سپس به باکو رفت و در تحریریهٔ روزنامه‌های حیات نو و حقیقت به‌عنوان مصحح مشغول شد؛ و در کنار آن به تدریس شرعیات و زبان فارسی پرداخت. سرانجام در سال ۱۳۲۸ دچار بیماری سل گردید و این بیماری، بر درد و رنج او افزود و درنهایت در فقر و تنگدستی و اوج شکوفایی در سال ۱۳۲۹ به دیار باقی شتافت. آثار وی عبارت‌اند از: هوپ هوپ نامه، اشعار طنز، جوابیه‌ها، بحرطویل‌ها، اشعار فارسی، ترجمه‌ها، اشعار کودکان (صحت، عباس، ۱۹۴۱: ۲-۱۰).

(۳) حبیب یغمائی متولد ۱۲۸۰(ه.ش) درخور بیابانک، پژوهشگر ادبی، روزنامه‌نگار و شاعر معاصرِ ایرانی است. در مکتب‌خانه‌های خور، قرآن و دانش‌های مقدماتی را آموخت. سپس در دامغان و بعد در تهران در دارالمعلمین مرکزی در رشتهٔ ادبی به تحصیلات خود ادامه داد. مجله ادبی یغما را منتشر کرد. فعالیت‌های علمی و ادبی وی عبارت‌اند از: تأسیس اولین مدرسه در زادگاه خود، تدریس در دارالفنون، تصحیح گلستان سعدی با همکاری فروغی، ویرایش و چاپ گرشاسب نامه، تصحیح و ترجمه تاریخ طبری در هفت جلد، تألیف کتاب علم قافیه، دخمهٔ ارغون (مجموعه اشعار) منتخب شاهنامه و...سرانجام، وی در سال ۱۳۶۳ درگذشت (آل داوود، ۱۳۸۵: ۱۰۶- ۱۱۶)

(۴) محمد عثمان جلال متولد (۱۸۲۸ م) در بنی سویف مصر، در کودکی قرآن را حفظ کرد و اصول اولیهٔ حساب و خطّاطی را آموخت. رفاعه الطهطاوی او را به تحصیل در مدرسهٔ زبان گماشت و نبوغ او در یادگیری زبان فرانسه موجب شد که به‌عنوان معلم و مترجم زبان فرانسه به دیوان خدیوی بپیوندد و بعد از آن به کار ترجمه و تألیف در دیوان‌های حکومتی ادامه داد. در سال

(۱۸۹۸ م) از دنیا رفت. تألیفات و ترجمه‌های متعددی از خود بر جای گذاشت: **العیون الیواقیظ فی الامثال والمواعیظ**، **اربع روایات من نخب التیارات**، **الروایات المفیده فی علم التراجید**، **الامانی والمنه** و... دیوان «العیون الیواقیظ» وی اولین سنگ بنای ادبیات کودک در جهان عرب است. وی حکایات افسانه‌ای لافونتن را از کتاب «حکایات» به عربی برگرداند و نامش را «العیون الیواقیظ» نهاد (زلط، احمد، ۱۹۹۴: ۱۹).

(۵) سلیمان العیسی در سال (۱۹۲۱) در انطاکیه چشم به جهان گشود، دانش‌های اولیه را نزد پدرش آموخت و قرآن، معلقات سبع، دیوان متنبی و هزاران بیت از اشعار عربی را به خاطر سپرد. در ده‌سالگی طبع سرودن شعر وی شکوفا شد و در اولین اشعارش، رنج‌ها و مشکلات کشاورزان را به نظم کشید، به خاطر شعرهای اعتراض آمیزش بارها به زندان افتاد. تحصیلاتش را در دار المعلمین بغداد به پایان رساند و در سوریه در تأسیس «اتحاد کتّاب العرب» سهیم بود. بعد از شکست حزیران در سال ۱۹۶۷ به سرودن شعر کودکان روی آورد، تعدادی از آثار ادبی را با همکاری همسرش ترجمه کرد. آثار وی عبارت‌اند از: مجموعه اشعار در چهار جلد، **علی طریق العمر (سیرة ذاتیه)**، **الثمالات**، **دیوان الیمن**، **دیوان الاطفال**، **اغانی الحکایات**، **قصص الاطفال** و...(بوعیسی، ۲۰۱۲: ۱۹-۱۵).

منابع

آل داوود، سید علی (۱۳۸۵). *ارجنامه حبیب یغمائی*. تهران: میراث مکتوب.

ابومعال، عبد الفتاح (۱۹۸۸). *ادب الاطفال «دراسه وتطبیق»*، الطبعه الثانیه، اردن: دار الشرق.

اتحاد، هوشنگ (۱۳۹۰). *پژوهشگران معاصر*. تهران: فرهنگ معاصر.

جلال، محمد عثمان (۱۹۰۶). *العیون الیواقیظ فی الامثال والمواعظ*. الطبعة الأولی. مصر: مطبعه النیل.

حاجی‌زاده، مهین و بهمن، مایه گوزل؛ ابهن، محدثه (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل اشعار تعلیمی سلیمان العیسی در حوزهٔ ادبیات کودک. *پژوهشنامهٔ نقد ادبی*، ۶ (۱)، ۶۷-۹۱.

خورسند علیزاده، زهرا (۱۳۹۸). بررسی انواع ترجمه‌های منظوم از حکایت روباه و کلاغ در ایران و مقایسهٔ آن با نمونه‌های عربی. *هفتمین همایش ملی متن‌پژوهی*.

داودی، طه (۱۹۰۶). *الشعر والشعراء المجهولون في القرن التاسع عشر*. القاهرة: مطبعة النیل.

درودیان، ولی‌الله (۱۳۸۵). *سرچشمه‌های مضامین شعر امروز*. تهران: نشر نی.

دشتیان، رسول (۱۳۸۹). *شرح و بررسی اشعار سلیمان العیسی با تکیه بر مضمون و موسیقی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.

دوادي، طه (۱۹۹۲). *الشعر والشعراء المجهولون فی القرن التاسع عشر*. القاهرة: دار المعارف.

دهقان، مهتاب وبلاوی، رسول (۲۰۱۹). البنية السردية في قصيدة «الاطفال يحملون الراية». *مجلة اضاءات نقديّة*، ۹ (۳۳). ۱۰۷-۱۲۴.

زلط، احمد (۱۹۹۴). *أدب الاطفال بين احمد شوقی وعثمان جلال*. دار النشر للجامعات المصرية، مكتبة الوفاء.

شایان سرشت، اکبر؛ خوشامن، زهرا؛ سام خانیانی، علی‌اکبر؛ نوروزی، زینب (۱۳۹۸). بومی‌سازی در ترجمه‌های منظوم حکایت کلاغ و روباه در حرکت از فرانظام به نظام بر اساس نظریه لوتمان. *ادبیات تطبیقی (ادب و زبان*

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، ۱۱ (۲۱)، ۷۳-۱۰۰.

الشایب، احمد (۱۹۹۴). *اصول النقد الادبی*، الطّبعة العاشرة. القاهرة: مکتبة النهضة المصریة.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). *موسیقی شعر*، چاپ دهم، تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه*، تهران: سخن.

صابر، میرزا علی‌اکبر (۱۹۱۴). *هوپ هوپ نامه*. ترجمهٔ احمد شقانی. باکو: نشریات دولتی.

عقاد، عباس محمود (۱۹۷۳). *شعراء مصر وبیئاتهم فی القرن الماضی*. القاهره: دارالهلال.

علیدوستی، همایون (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های سبکی و زبانی شعر روباه و زاغ در اشعار ایرج میرزا و حبیب یغمائی. *روزنامهٔ اطلاعات*.

العیسی، سلیمان (۱۹۹۶). *علی طریق العمر*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.

العیسی، سلیمان (۱۹۹۹). *دیوان الاطفال*. دمشق: دار الفکر.

فاخوری، محمود (۱۹۹۶). *موسیقا الشعر العربی*. حلب: منشورات جامعة حلب.

فرید، زهراء و اکبری‌زاده، فاطمه (۱۴۱۴). الهویّة الوطنیة في شعر سلیمان العیسی للاطفال، *مجلة الثقافة العربیة وآدابها*، ۴ (۱۵)، ۵۶۵-۵۸۹.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۴). *بحار الأنوار*. ج ۲۷. تهران: سفیرسلامت.

محرمی، رامین (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی شعر کودک در هوپ هوپ نامهٔ علی‌اکبر صابر و دیوان نسیم شمال. *مجلهٔ مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*، ۵ (۱۰)، ۱۵۳-۱۷۲.

محمد جمعه، بدیع (۱۹۸۰). *دراسات فی الادب المقارن*. الطبعة الثانیه. بیروت: دار النهضة العربیه.

مسعود، بوعیسی (۲۰۱۲). *التشکیل الموسیقی فی دیوان سلیمان العیسی دیوان الجزایر نموذجاً مذکره مقدمه*. لنیل شهادة ماجیستر فی اللغه العربیه وآدابها. الجزیرة: جامعة الحاج لخضر-باتنه-.

References

Abu Ma'al, A.F. (1988). Comparative Study of Adab al-Atfal, Second Edition, *Jordan, Daralsharq* (In Arabic).

Al-Davood, S.A. (2006). *Habib Yaghmaei Arjname*. Tehran: Miras-e-Maktub (In Persian).

Alidosti, H. (2014). Examining the Stylistic and Linguistic Differences between the Fox and the Crow Poetry in the Poems of Iraj Mirza and Habib Yaghmaei, *Etelaat Newspaper Publications* (In Persian).

Al-Isa, S. (1996). *On the Way of Life. Beirut*. Al-Arabiya Institute for Studies and Publishing (In Arabic).

Al-Isa, S. (1999). *Diwan al-Atfal*. Damascus: Dar al-Fikr (In Arabic).

Al-shayeb, A. (1994). *Principles of Literary Criticism*. Tenth Edition, Cairo: Egyptian Ennahda School (In Arabic).

Aqad, A. M. (1973). Egyptian Poets and Their Verses in the Last Century, *Kitab al-Hilal*, 252, Cairo (In Arabic)

Bu-Isa, M. (2012). *The Composition of Music in the Divan of Suleiman al-Isa, (Diwan Al-Jazair is an Example of a Memorandum Submitted to Obtain a Master's Degree in*

Arabic Language and Literature). Al-Jazair: Hajj Lakhdar University, Batneh (In Arabic).

Dashtian, R. (2019). *Thesis Description and Study of Soleiman Al-Issa's Poems Based on the Theme and Music*. University of Tehran (In Persian).

Davadi, T. (1992). *Poetry and Unknown Poets in the Twentieth Century*. Cairo: *Dar al-Marif* (In Arabic).

Davoodi, T. (1906). *Poetry and Unknown Poets in the Twentieth Century*. Cairo: *Nile Press* (In Arabic).

Dehghan, M. Walawi, R. (2019). An Essay on the Narrative Structure in the Poem "Children Carrying the Flag. *Journal of critical Analysis*, 9 (33), 107-124 (In Arabic).

Doroudian, V. (2006). *Sources of the Themes of Today's Iranian Poetry*. Tehran: Nei Publications (In Persian).

Etehad, H. (2011). *Contemporary Researchers*. Tehran: Contemporary culture (In Persian)

Fakhouri, M. (1996). *Music of Arabic Poetry*. Aleppo: Publications of the Aleppo Society, Koliat va Adab (In Arabic).

Farid, Z., Akbarizadeh, F. (1993). Al-Hawiya Al-Wataniyah Article in the Poem of Suleiman Al-Isa for children. *Journal of Al-Thaqafah Al-Arabiyah*, 4 (15), 565-589 (In Arabic).

Hajizadeh, et al. (2014). A study and Analysis of Suleiman Al-Isa's Educational Poems in the Field of Children's Literature, *Journal of Literary Criticism*, 6 (1), 67-91 (In Persian).

Jalal, M. O. (1906). *The awakening Eyes in Pronouns and Sermons*. 1st Edition. Egypt, Nile press (In Arabic).

Khorsand Alizadeh, Z. (2019). A study of Various Poetic Translations of the Fox and Crow Story in Iran and its Comparison with Arabic Samples, *7th National Conference on Text Studies* (In Persian).

Lafontaine (2019). Moving from Super-System to System Based on Tolman's Theory. *Journal of Comparative Literature* (In Persian).

Majlisi, M. B. (1994). *Bahar al-Anvar*, Volume. 27, Tehran: Safir Salamat Publications (In Arabic).

Mohammad Juma, B. (1980). *Studies in contemporary literature*, 2nd Edition. Beirut: *Dar al-Nahda al-Arabiya* (In Arabic).

Moharrami, R. (2014). A Comparative Study of Children's Poetry in Hop Hop Nameh of Ali Akbar Saber and Divan Nasim Shomal, *Journal of Children's Literature Studies*, Shiraz University, 5 (10), 153-172 (In Persian).

Saber, M. A. (n.d). *Hop Hop Nameh*. Translated by; Ahmad Shaghani. Baku: Official Publications (In Persian).

Shafiee Kadkani, M. R. (2007). *Poetry Music*. 10th Edition. Tehran: Agah Publications (In Persian).

Shafiee Kadkani, M. R. (2011). *With Light and Mirror (Ba cheraq va Ayneh)*. Tehran: Sokhan Publications (In Persian).

Shayan Seresht, et al. (2019). *Localization in the Poetic Translations of the Story*. the Fox and the Crow (In Persian).

Zelt, A. (1994). Children's Literature between Ahmad Shoqi and Osman Jalal. *Publishing House for the Egyptian Communities*, Al-Wafa School, Al-Shayib (In Arabic).